

وقتی قدرت خرید آب می‌رود

الان که می‌خوام بگم چی بود و چطور شد باید از فروردین شروع کنم.

شنیده بودم که می‌گفتن دستمزد سال جدید رو بر اساس تورم سال قبل می‌بندن، واسه همین نوی سال جدید همون فشار سال قبل به قوت خودش باقی هست! ولی هیچ وقت به این وضوح درکش نکرده بودم. پتک واقعیت پس کله‌ام نخورده بود.

آره فروردین بود.

آها، قبلش بگم من یه کارگرم. یه کارگری که از قضا یه کارگرِ ماهره. بقیه می‌گن مهندس، ولی چه اهمیتی داره بقیه چی می‌گن. اگه کار نکنم، زنده موندن و زندگی کردنم سخت می‌شه و تقریباً غیرممکن. پس کارگرم.

داختم می‌گفتم- فروردین امسال بود. از شرکت زنگ زدن بیا برای بستن قرارداد. قراردادی که طبق روال معمول همه چیزش مشخص بود و فقط امضای من رو می‌خواست. قربونشون برم، از قبل فضا رو آماده می‌کنن که هر چیزی روی برگه نوشته همونه و بمیری هم تغییری نمی‌کنه- نخواستی هم راه باز و خیلیا هستن که محتاج این کارن و بازار کار خرابه و ...

نوی مسیر کلی با خودم کلنجا می‌رفتم که اگه دستمزدم زیر فلان مقدار بود عمرا اگه امضا کنم.

رفتم پای میز عدم مذاکره. برگه رو که گذاشتن جلوم، دیدم از اون چیزی که فکر می‌کردم مقدار بخور و نمیری بیشتر بود. ناخودآگاه تا بناگوش لبخندی زد و دستامو به هم مالیدم و ظفرمندان امضا کردم. برام یه برد بود. به هر حال از تصوراتم فاصله داشت.

اصلن چرا آدمايي كه حتى، حتى ۱۰ دقيقه وقتشون سرِ گرفتن و نگرستن روغن زيتون تلف نشده نماينده‌ي كارگرا هستن؟

البته دولت و كارفرما امسال نشون دادن شماها چه نمايندتون باشه چه نباشه، دستمزد اون طوري كه ما مي‌خوايم تعيين مي‌شه! والسلام